

بررسی حکم تکلیفی اذان و اقامه

محمد کربلایی جعفر- طلبه سطح یک مدرسه علمیه مشکوة
شایسته تقدیر سومین جشنواره علامه حلی استان تهران

چکیده

در این پژوهش سرفصل‌های استدلالی مربوط به حکم تکلیفی اذان و اقامه با رجوع به منابع اصلی روایی، فقهی، اصولی و رجالی مورد بررسی قرار گرفته و پس از ترکیب ادله و تحلیل دقیق آن‌ها، نظر مختار تبیین گردیده است. در برابر نظر مشهور که قائل به استحباب اذان و اقامه است، چهار نظر عمده وجود دارد. بر اساس ادله هفتگانه مشهور، اذان در کلیه نمازهای جماعت صبح و مغرب به صورت فردی و اقامه در کلیه نمازها، مستحب اکید است. در پژوهش حاضر پس از بررسی اصل مشروعیت اذان و اقامه، ابتدا هشت دسته دلیل مخالفان نظر مشهور مطرح گردیده است. سپس تک‌تک ادله به تفکیک به بوته نقد گذاشته شده است. در نهایت نیز با ارائه هفت دلیل، نظر مشهور مورد پذیرش قرار گرفت. در مجموع بیست و یک روایت جهت اثبات یا رد مسئله ارائه گردیده است.

محورهای مهم این پژوهش عبارت‌اند از: موضوع شناسی و شناخت تمامی شقوق مسئله؛ تعریف لغوی و اصطلاحی اذان و اقامه؛ تعریف حکم تکلیفی؛ بررسی شقوق مختلف مسئله؛ ادله مشروعیت اذان و اقامه؛ حکم تکلیفی اذان و اقامه؛ اقوال مختلف در مسئله شامل قول اول؛ وجوب اذان و اقامه فقط در نماز جماعت؛ قول دوم؛ وجوب اذان و اقامه در نماز صبح و مغرب حتی به صورت فردی و در سایر نمازها تنها به جماعت؛ قول سوم؛ وجوب اقامه مطلقاً حتی برای زنان؛ قول چهارم؛ وجوب اقامه برای مردان؛ قول مشهور؛ استحباب اذان و اقامه؛ ادله استحباب اذان و اقامه؛ جمع‌بندی و نتیجه.

کلیدواژه

اذان، اقامه، حکم تکلیفی، نماز جماعت، نماز فردی.

مقدمه

به طور معمول، در کتب فقهی بحث از اذان در باب صلاة مطرح گردیده و از آن به مناسبت در «کتاب الحج»، «کتاب البیع» و «کتاب النکاح» نیز سخن رفته است (مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، 1426 ق: 1/327). کتبی که به بررسی فروع مختلف بحث «اذان و اقامه» پرداخته‌اند، سرفصلهای متعددی از موضوعات و مسائل مربوط به آن را تقسیم بندی نموده‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: کیفیت اذان، حکم تکلیفی اذان، شروط اذان، مستحبات و مکروهات اذان، موارد تأکید اذان و اقامه، مواردی که اذان و اقامه ساقط میشوند، آنچه موقع سماع اذان مستحب است، اخذ اجرت برای اذان، و غیره (مؤسسه دائره‌المعارف معارف الفقه الاسلامی، 1431 ق: 8).

سؤالاتی که در این پژوهش به دنبال پاسخگویی آنها هستیم عبارت‌اند از:

1. حکم تکلیفی اذان و اقامه در نمازهای یومیه چیست؟
 2. آیا تفاوتی در «حکم تکلیفی اذان و اقامه» در بین نمازهای یومیه، میان مرد و زن، نسبت به نماز جماعت و فردی وجود دارد؟
- در کلیه مذاهب اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، بحثی در کلیت «مشروعیت اذان» برای نمازهای یومیه اعم از ادا و قضا نیست، تنها اختلاف مبنایی، در ریشه و منشأ این مشروعیت وجود دارد (نجفی، 1404 ق: 9/3)، که در بحث «مشروعیت» به تفصیل بیان میگردد. لیکن در «وجوب و استحباب» آن اختلاف است. بیشتر فقها قائل به استحباب آن هستند. اما بعضی از علما قائل به وجوب اذان و اقامه‌شدن آنها و دستهای این وجوب را اختصاص به نماز مغرب و صبح داده‌اند و برخی به نماز جماعت، که اذان و اقامه را شرط صحت نماز جماعت دانسته‌اند.

شناخت ادله مورد استفاده فقها و بررسی و نقد این دلایل

در خصوص مشروعیت اذان و اقامه در فرایض پنجگانه یومیه بین علما اختلافی وجود ندارد (نجفی، 1404 ق: 5 - 9/4 تا جاییکه برخی از فقها قائل به اجماع شده‌اند (حلی، 1414 ق: 3/40)؛ در ذیل این ادعا پنج روایت که همگی بیانکننده فضایل مؤذن است بیان شده است. 3 از این رو بنا بر دلالت روایات، اگر این عمل مشروع نبود، هرگز آورنده آن مستحق درجات و فضایل ذکرشده در این روایات نبود.

اما اینکه منشأ این مشروعیت به منظور اعلام است یا برای نماز، اختلاف نظری میان شیعه و اهل سنت وجود دارد. با این بیان که بنا بر نظر عامه، مشروعیت اذان برای اعلام دخول وقت است. درحالیکه این نظر به واسطه نصوص مستفیضه و متواتر که مشروعیت اذان را با قطع نظر از اعلام، برای صرف نماز بیان میکند، قابل مناقشه است. البته برای صرف اعلام نیز این نصوص، ظهور در استحباب دارند (نجفی، 1404 ق: 9/3). در مورد مشروعیت اذان نماز قضا هم، دلیل اصلی نصوص وارد است. پس در مجموع، به واسطه اجماع و اتفاق نظر فقها و روایات کثیر نسبت به فضل اذان و اقامه، اصل مشروعیت اذان و اقامه برای فرایض ثابت است. لکن در خصوص حکم تکلیفی اذان و اقامه مشهور، استحباب را پذیرفته‌اند و در مقابل؛ قائلین به وجوب، تفاسیلی را مطرح نموده‌اند. در ادامه اقوال فقها و ادله آنها به تفکیک

مطرحشده و با بیان نقدهایی نظر برگزیده ارائه خواهد شد:

قول اول: وجوب اذان و اقامه فقط در نماز جماعت

«شیخین» و «ابن برآج» و «حمزه» قائل به وجوب اذان و اقامه در نماز جماعتاند. همچنین وجوب شرطی اذان و اقامه به آنها و «ابی الصلاح» نسبت داده شده است (مؤسسه دائرهالمعارف معارف الفقه الاسلامی، 1431 ق: 8/90). صاحب جواهر، از افراد زیادی نامبرده که قائل به وجوب اذان و اقامه در نماز جماعت شدهاند (نجفی، 1404 ق: 9/5)

استدلال بر قول اول

از مهمترین ادله و استناد این گروه، چهار روایت زیر است. علاوه بر دلالت این روایات بر وجوب، میتوان گفت با وجود این مجموعه از روایات، مقتضی احتیاط موجود است. در ادامه به بررسی تک تک روایات و نقد آنها می پردازیم:

1 - روایت ابی بصیر: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ سَأَلْتُهُ أَيْ جُزْئِ أَذَانٍ وَاحِدٍ قَالَ إِنْ صَلَّيْتَ جَمَاعَةً لَمْ يُجْزِ إِلَّا أَذَانٌ وَاقَامَةٌ وَ إِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ تَبَادَرُ أَمْرًا تَخَافُ أَنْ يَفُوتَكَ يَجْزِيكَ إِقَامَةٌ إِلَّا الْفَجْرَ وَ الْمَغْرِبَ الْحَدِيثُ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/388). در مجموع بنا بر این مبنا که «عمل مشهور جابر ضعف سند است» میتوان از ضعف سندی این روایت چشم پوشی نمود (ایروانی، 1427:2/447). در بررسی دلالتی روایت میتوان گفت: سؤال راوی نسبت به نماز جماعت یا فرادی اطلاق دارد لکن امام در پاسخ، تفصیل میان این دو را قائل شدهاند، همین تفصیل گواه تفاوت حکم اذان در نماز جماعت و فرادی است. لذا این روایت ظهور در مجزی نبودن نماز جماعت مگر با اذان و اقامه دارد.

2 - موثقه عمار: «عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُؤَدِّنُ وَيُقِيمُ لِيُصَلِّيَ وَحْدَهُ فَيَجِيءُ رَجُلٌ آخَرَ فَيَقُولُ لَهُ نُصَلِّيْ جَمَاعَةً هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَا بِذَلِكَ الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ قَالَ لَلَّأ وَ لَكِنْ يُؤَدِّنُ وَيُقِيمُ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/432). سلسله روات در این روایت از «احمد بن الحسن» تا امام صادق (ع) همگی فطحی و ثقة میباشند، لذا در مجموع، روایت در زمره روایات موثقه قرار میگیرد. به لحاظ دلالتی، منطوق روایت صراحت بر عدم جواز نماز جماعت بدون اذان و اقامه دارد.

3 - صحیحہ عبدالله بن سنان: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ يُجْزِيكَ إِذَا خَلَوْتَ فِي بَيْتِكَ إِقَامَةً وَاحِدَةً بَغَيْرِ أَذَانٍ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/384). سند روایت تعلیقی بوده و همه افراد سلسله سند امامی، ثقة و جلیل هستند. در خصوص دلالت روایت میتوان گفت: با بهره گیری از مفهوم شرط میتوان دریافت که اگر نماز جماعت برپا گردد اقامه به تنهایی مجزی نخواهد بود.

4 - صحیحہ عبدالله بن علی الحلبي: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّهُ كَانَ إِذَا صَلَّى وَحْدَهُ فِي الْبَيْتِ أَقَامَ إِقَامَةً وَ لَمْ يُؤَدِّنْ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/385). همه افراد سلسله سند امامی، ثقة، جلیل هستند. منطوق عبارت مثبت است. لذا عدم وجوب اذان در نماز فرادی صریح است، حتی از آنجایی که تعبیر «انه كان اذا...» بیانکننده منش و رفتار مداوم حضرت (ع) است. عدم استحباب در نماز فرادی نیز ممکن است از این روایت مستفاد باشد.

رد ادله قول اول:

اولاً: سه روایت اول در مقام بیان جعل وجوب، چه تعبدی چه وضعی نیستند بلکه در مقام بیان صرف مجزی بودن و اکتفای اقامه بجای اذان هستند (حکیم، 1416 ق: 5/528) به عبارتی این روایات جدای از این که امر مشروع، وجوبی یا استحبابی است تنها بیان میدارند که اقامه مجزی و مبدلنه از امر مأمور به یعنی اذان و اقامه است نه اینکه عمل مشروع، واجب یا استحبابی است. علاوه بر این، صحیح حلبی دلالتش بر جماعت وضوح ندارد (حکیم، 1416 ق: 5/528)؛ لذا از جهت وجوب و استحباب مجمل است و فقط دلالت بر اصل مشروعیت میکند. ثانیاً: در مقابل این روایات، روایاتی هستند که دلالت بر عدم وجوب میکنند. از جمله آنها، روایت «علی بن رعب» است: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قُلْتُ تَحْضُرُ الصَّلَاةَ وَ نَحْنُ مُجْتَمِعُونَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ أَ تُجْزِيْنَا إِقَامَةً بَغَيْرِ أَذَانٍ قَالَ نَعَمْ» (حر عاملی، 1409 ق: 5/385). در نتیجه به واسطه همین صحیح، از اصالت الاحتیاط مذکور که در ابتدای روند استدلال مطرح گردید، رفع ید کرده و نصوص مذکور در روند استدلال را منطوقاً و مفهوماً حمل بر استحباب آكد مینماییم (حکیم، 1416 ق: 5/528)

قول دوم: وجوب اذان و اقامه در نماز صبح و مغرب حتی به فرادی و در سایر نمازها تنها به جماعت
سید مرتضی قائل است که علاوه بر وجوب اذان و اقامه در نماز جماعت، حکم نماز صبح و مغرب حتی اگر فرادی باشد نیز وجوب است (شریف مرتضی، 1387 ق: 57)

استدلال بر قول دوم

اصلی ترین دلیل بر این رأی، چهار روایت است که نسبت به ترک اذان و اقامه و هر گونه تقصیری در نماز صبح و مغرب اظهار نظر نموده اند. با این بیان که این روایات دلالت بر نهی از ترک اذان و اقامه در نماز صبح و مغرب می کنند. این روایات عبارت اند از:

1 - روایت ابی بصیر سابق 2 - صحیحہ صفوان بن مهران: «عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ الْأَذَانُ مَثْنِي مَثْنِي وَ الْأِقَامَةُ مَثْنِي مَثْنِي وَ لَا بُدَّ فِي الْفَجْرِ وَ الْمَغْرِبِ مِنْ أَذَانٍ وَاقَامَةٍ فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ لِأَنَّهُ لَا يَقْصَرُ فِيهِمَا فِي حَضَرٍ وَ لَا سَفَرٍ وَ تُجْزِيكَ إِقَامَةٌ بَغَيْرِ أَذَانٍ فِي الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ الْأَذَانُ وَ الْإِقَامَةُ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ أَفْضَلُ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/386). این روایت که به استناد از کتاب علل الشرایع به نقل از شیخ صدوق بیان گردیده از دو طریق نقل شده است، که هر دو طریق صحیح است. 3 - صحیحہ صباح بن سیابه: «عَنْ الصَّبَّاحِ بْنِ سِيَابَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لَا تَدْعُ الْأَذَانَ فِي الصَّلَوَاتِ كُلِّهَا فَإِنْ تَرَكْتَهُ فَلَا تَرُكُهُ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْفَجْرِ فَإِنَّهُ لَيْسَ فِيهِمَا تَقْصِيرٌ» (حر عاملی، 1409 ق: 5/387) به اعتقاد مرحوم حکیم، این روایت در دسته روایات صحیح قرار میگیرد

ولی بر اساس برخی نظرات دیگر، این روایت ضعیف است. 4 - صحیحہ ابن سنان: «عَنْ ابْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ تُجْزِئُكَ فِي الصَّلَاةِ إِقَامَهُ وَاحِدَهُ إِلَّا الْغَدَاةَ وَالْمَغْرِبَ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/387). تمامی افراد، امامی، ثقه و جلیل هستند لذا روایت صحیحہ است.

رد ادله قول دوم

این روایات به لحاظ سندی و دلالتی قابل مناقشه است: اولاً تعبیر «لاینبغی» و «یجزئک» ظهور در وجوب ندارند (حکیم، 1416 ق: 5/530)؛ تفصیل آن در بخش رد قائلین به وجوب در جماعت آمد. ثانیاً روایت سوم و بقیه روایات به واسطه جواز ترک اذان و اقامه در روایت معارض «عمر بن یزید»، زیر سؤال میروند:

«عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْإِقَامَةِ بغيرِ أَذَانٍ فِي الْمَغْرِبِ فَقَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَمَا أَحِبُّ أَنْ يُعْتَادَ» (حر عاملی، 1409 ق: 5/387). این روایت در مجموع، صحیح است. این روایت صراحت در جواز ترک اذان و اقامه دارد، هر چند که مورد آن مربوط به نماز مغرب است لکن می توان مورد را به نماز صبح نیز به دلیل عدم فصل فقها تعمیم داد. علاوه بر این، به واسطه روایت «ابن سیابه» حکم نماز مغرب و صبح در عدم تقصیر یکی بوده لذا اگر تقصیر در اذان و اقامه در نماز مغرب جواز داده شده باشد در نماز صبح نیز این جواز وجود دارد. لذا وجه جمع میان این روایت با روایات قبلی، حمل روایات قبلی به تأکید استحباب در مغرب است. و به خاطر مشتمل بودن روایت ها بر تعلیلی که عرفاً مانع از تفکیک میان مغرب و صبح است، تأکید استحباب در نماز صبح نیز ثابت می گردد (حکیم، 1416 ق: 5/527).

قول سوم: وجوب اقامه مطلقاً حتی برای زنان

«ابن ابی عقیل» و جمعی قائل به وجوب اقامه، آن هم به صورت مطلق حتی بر زنان شده اند (خویی، 1418 ق: 13/232) البته این فتوا شاذ و منحصر در همین افراد است.

رد ادله قول سوم

این رأی به دلیل تصریح روایت های معارض، به وضوح ساقط است. به گونه ای که اگر هم به واسطه برخی اطلاعات روایات، لزوم اقامه بر زنان اثبات شود این روایات نقش مقید آنان را ایفا خواهند نمود. از آن جمله صحیح «جمیل بن دراج» است: «عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمَرْأَةِ أَعَلَيْهَا أَذَانٌ وَإِقَامَةٌ فَقَالَ لَا» (حر عاملی، 1409 ق: 5/406). در این روایت تمامی افراد سلسله سند امامی، ثقه و جلیل هستند. با وجود امثال این اخبار معلوم نیست که چگونه «ابن ابی عقیل» حکم به وجوب بر زنان نموده است (خویی، 1418 ق: 13/232).

قول چهارم: وجوب اقامه برای مردان

شیخ مفید در «المقنعه» و شیخ طوسی در «نهایه» و ابن جنید به نقل از علامه حلی در کتاب «مختلف الشیعه» به وجوب اقامه تنها بر مردان فتوا داده اند. وحید بهبهانی در حاشیه خود بر «مدارک» به این حکم میل نموده و مرحوم صاحب حدائق نیز این قول را اختیار کرده است. آقای خویی نیز در این موضوع جانب احتیاط را برگزیده اند (خویی، 1418 ق: 13/232).

استدلال بر قول چهارم

به طور کلی پنج دسته دلیل برای وجوب اقامه بر مردان مطرح شده است، که در ادامه تک تک ادله بیان می گردد و در هر مورد ردیه آن نیز ارائه می شود:

1 - استدلال اول بر قول چهارم

روایاتی که درباره زنان و وظیفه آنان نسبت به اذان و اقامه اظهار نظر نموده و بیان می دارند که نه اذان و نه اقامه هیچ یک بر گردن آنان نیست. از آن جمله همان صحیح «جمیل بن دراج» ذکر شده است: «عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمَرْأَةِ أَعَلَيْهَا أَذَانٌ وَإِقَامَةٌ فَقَالَ لَا» (حر عاملی، 1409 ق: 5/406) با این بیان که به دلیل لسان روایت «علیها» آنچه نفی شده است لزوم است و نه مشروعیت (خویی، 1418 ق: 13/233) لذا نفی لزوم از زنان دلالت بر ثبوت آن بر مردان می کند. به عبارتی در این استدلال از مفهوم وصف استفاده شده است.

رد استدلال اول

اولاً در صحیح «جمیل بن دراج»، اگر علی المبناء قائل به مفهوم داشتن وصف فی الجمله باشیم لکن باید توجه داشت که این وصف در لسان سائل است و نه امام، لذا این مفهوم گیری معتبر نخواهد بود.

ثانیاً سایر روایاتی هم که این وصف در کلام امام وجود دارد، ضعیف السند هستند (خویی، 1418 ق: 13/233).

ثالثاً با بررسی جامع در نصوص مربوطه در میابیم که غالباً اقامه با اذان و جماعت مقرون است و از آنجایی که استحباب اذان و جماعت برای مردان واضح است، به قرینه وحدت سیاق آنچه که در صحیح «جمیل» و سایر روایات مشابه آن از زنان نفی شده است تنها مرتبه عالی از استحباب است و نه لزوم. شاهد بر این مدعی صحیح «ابن سنان» است، از آنجایی که همه سلسله روات آن امامی، ثقه و جلیل هستند لذا این روایت صحیح خواهد بود: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمَرْأَةِ تُؤَدِّنُ لِلصَّلَاةِ فَقَالَ حَسَنٌ إِنْ فَعَلَتْ وَ

إِنْ لَمْ تَفْعَلْ أَجْزَأَهَا أَنْ تُكَبِّرَ وَأَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (حر عاملی، 1409 ق: 5/405)
با این بیان که: ذکر علیالبدل برای زنان در اذان گفتن، ظهور در آن دارد که آن امر استحباب اکید برای زنان ندارد چرا که اگر درجه استحباب آن عالی و اکید بود بدلی نمی توانست جایگزین آن شود. لذا در نهایت میتوان گفت فرد مخیر است بین این دو امر و آنچه مطلوب است اتیان به یکی از دو نحو است.

2 - استدلال دوم بر قول چهارم

همان دسته روایاتی که دلالت می کرد بر اجزاء اقامه از اذان وقتی نماز، فرادی باشد. که عمده آن صحیح «ابن سنان» بود: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ يُجْزِيكَ إِذَا خَلَوْتَ فِي بَيْتِكَ إِقَامَهُ وَاحِدَهُ بَغِيرَ أَذَانٍ» (حر عاملی، 1409 ق: 5/384) با این بیان که مجزی بودن امری که به آن اکتفاء شده دلالت بر وجوب آن امر می کند. به عبارتی وقتی در بین امور به حداقل آن اکتفاء شود پس حتماً آن حداقل، امر وجوبی است.

رد استدلال دوم

این روایت همانطور که سابقاً بیان شد در مقام بیان مجرد اجزاء از امر مأموریه است. حال اینکه آیا آن امر وجوبی است یا استحبابی دلالتی بر آن وجود ندارد.

3 - استدلال سوم بر قول چهارم

استدلال سوم، روایت عمار در مورد مریض است. از آنجایی که سلسله سند از «احمد بن الحسن» تا امام صادق همگی فطحی و ثقه می باشند روایت موثق خواهد بود: «عَنْ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ لَا بُدَّ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُؤْذَنَ وَيُقِيمَ إِذَا أَرَادَ الصَّلَاةَ وَلَوْ فِي نَفْسِهِ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمَ بِهِ سِوَى مَنْ كَانَ شَدِيدَ الْوَجَعِ قَالَ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ يُؤْذَنَ وَيُقِيمَ لِأَنَّهُ لَا صَلَاةَ إِلَّا بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ» (حر عاملی، 1409 ق: 5/444 و الطوسی، 1365: 2/248)

با این بیان که تعبیر «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ» در انتهای روایت دلالت بر وجوب دو امر باهم می باشد. حال که از نصوص دیگر یقین به عدم وجوب اذان داریم، اذان را به واسطه این نصوص خارج کرده لذا اقامه به وجه وجوبی باقی خواهد ماند.

رد استدلال سوم

با بررسی استدلال و تشریح آن در میابیم که امر به دو شیء باهم تعلق گرفته است. حال اگر ترخیص از یک شیء به دلیل خارجی ثابت گردد، یقیناً امر متوجه شیء دوم خواهد بود. این امر با نظر به این مطلب درست است که به حکم عقل، وجوب و استحباب نسبت به دو شیء هر دو مستفاد باشند؛ اینگونه که عقلاً اگر امری مقارن بود با ترخیص در ترک، استحبابی است و اگر نبود وجوبی است. حال آنکه کبرای استدلال در این مقام منطبق نیست. چرا که در اینجا وجوب به واسطه امری به یک فعل یا امری به عدم ترک آن مستفاد نیست، تنها با فرض اینکه: اسلوب ادات نفی مقارن شده با استثناء، یعنی «لا صلاة الا باذان و اقامة» وجوب را می رساند، میتوان این امر را استفاده نمود (مؤسسه دائره المعارف معارف الفقه الاسلامی، 1431 ق: 8/94). لذا این اسلوب و ادات برای نفی یکی از سه مورد زیر است: 1. اسلوب برای نفی حقیقت نماز در ترک اذان و اقامه؛ 2. اسلوب برای نفی کمال نماز در ترک اذان و اقامه؛ 3. تفصیل؛ اینگونه که اسلوب برای نفی کمال نماز در ترک اذان و نفی حقیقت نماز در ترک اقامه است، با پذیرش این مطلب که تفصیل به صورت معکوس، به طور واضح محتمل نیست. مورد سوم احتمالی است که راهی بهسوی آن نیست. چرا که با این تفصیل باید قائل بود که استعمال لفظ واحد در اکثر از معنی جایز است. همچنین مورد اول به خاطر تعارض و منافاتش با نصوصی که اجازه ترک اذان می دادند، باطل است. پس چاره ای نیست جز پذیرش احتمال دوم که بیانگر آن است که نماز بدون اذان و اقامه، فاقد صفت کمال است.

4 - استدلال چهارم بر قول چهارم

مجموعه نصوصی هستند که بر اعتبار «طهارت 5»، «قیام 6»، «عدم تکلم 7» در صحّت اقامه دلالت دارند. با این بیان که اعتبار این شرایط، کاشف از لزوم است (مؤسسه دائره المعارف معارف الفقه الاسلامی، 1431 ق: 8/94).
با این توضیح که اگر این شرایط مستحب بودند، تخلف امری از آنها ضرری به نماز نمی زد. درست همانطور که تخلف از اذان، ضرری به نماز نمی زند چرا که لزوم رعایت قید و شرطی در یک عمل، وقتی ترکش از اصل جواز دارد، معنی ندارد. پس این اعتبار در روایات کاشف از لزوم است (خویی، 1418 ق: 13/235)

رد استدلال چهارم

اولاً اعتبار «عدم تکلم» غیر واضح است به خاطر معارضه نصوص و بخصوص در مواردی که تکلم مربوط به مواردی باشد که به نماز بازگردد مثل روایاتی که به جواز تکلم در پیش انداختن امام اشاره نموده اند (مؤسسه دائره المعارف معارف الفقه الاسلامی، 1431 ق: 8/94). این مربوط به زمانی است که امام راتب حاضر نباشد و اقامه گفته شده، در این حال مأمومین کسی را که صلاحیت امامت داشته باشد به امامت دعوت میکنند و به او میگویند جلو بایست «تقدم» تا به تو اقتدا کنیم.

ثانیاً اشتراط چیزی در صحّت عملی، کاشف از وجوب آن عمل نیست؛ همانطور که فرق میان وجوب شرطی و وجوب نفسی واضح است. اصلاً مگر در نوافل، برخی از شرایط فرایض از جمله طهارت، اباحه، ستر و استقبال؛ شرط نیست. درحالیکه خود نوافل از اصل جواز ترک دارند (خویی، 1418 ق: 13/235)

مجموعه روایاتی که اقامه را از نماز دانسته، گویی اقامه نازل منزله نماز است. که روایت زیر از آن جمله است: «عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَا أَبَا هَارُونَ الْإِقَامَةُ مِنَ الصَّلَاةِ فَإِذَا أَقَمْتَ فَلَا تَتَكَلَّمْ وَلَا تُؤْمِ بِبَدِكَ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/396)

رد استدلال پنجم

اولاً با بررسی رجالی سند در می یابیم که «صالح بن عقبه» با عنوان غالی و کذاب تضعیف شده است (بن غضائری، 1364 ق: 1/69 وحلی، 1381 ق: 230) و «ابی هارون المکفوف» نیز به نقل از رجال کشی، در روایتی از سوی اهلبیت (ع) مذمت شده است (کشی، بی تا: 223) از این رو روایات با این مضمون، از دو جهت رجالی و دلالتی قابل مناقشه هستند.

قول پنجم: استحباب اذان و اقامه (قول مشهور)

مشهور در بین فقها، استحباب اذان و اقامه است (مؤسسه دائره المعارف معارف الفقه الاسلامی، 1431 ق: 8/89) در «مستمسک العروة الوثقی» به نقل از «حدائق» بیان شده است که اذان و اقامه در نمازهای یومیه «اداء و قضا، مرد و زن، جماعت و فرادی» مستحب است (حکیم، 1416: 5/525)

علاوه بر حدائق، در سایر منابع نیز به استحبابی بودن آنها در نمازهای یومیه «اداء و قضا، مرد و زن، جماعت و فرادی، سفر و حضر» اشاره شده است. 8

هر چند که با بررسی ادله، در مورد اقامه، استحباب اکید برداشت می شود (الترقی، 1414 ق: 4/520)

ادله استحباب اذان و اقامه

1 - صحیح محمد بن مسلم قوی ترین دلیل بر عدم وجوب است و صرفاً بی تنقیص کسی که اذان را ترک نموده است دلالت دارد نه بطلان نماز؛

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّكَ إِذَا أَذَنْتَ وَأَقَمْتَ صَلَّى خَلْفَكَ صَفَّانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَإِنْ أَقَمْتَ إِقَامَةً بغيرِ أَذَانٍ صَلَّى خَلْفَكَ صَفٌّ وَاحِدٌ» (حر عاملی، 1409 ق: 5/385)

تمام سلسله رواات امامی، ثقه و جلیل هستند. ظاهر روایت این است که کسی که بر اقامه اکتفاء کرده و اذان را ترک نماید صرفاً دچار تنقیص مرتبه شده است و نه بطلان؛ لذا غایت دلالت روایت، استحباب اذان است.

2 - روایات صریح بر جواز ترک اذان؛

از آن جمله است صحیح علی بن رباب: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قُلْتُ تَحْضُرُ الصَّلَاةَ وَنَحْنُ مُجْتَمِعُونَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ أَتَجْزِيْنَا إِقَامَةً بغيرِ أَذَانٍ قَالَ نَعَمْ.» (حر عاملی، 1409 ق: 5/385)

از آنجایی که همه سلسله سند، افراد امامی، ثقه و جلیلاند این روایت صحیح بوده و نص در جواز ترک اذان است.

3 - مجموعه ادله مرحوم صاحب جواهر؛

مرحوم صاحب جواهر بیان می نمایند که استحباب در مجموع اظهر است و علاوه بر ادله مذکور دلایل دیگری را نیز ارائه می نمایند: الف) به دلیل اصل براءت؛

ب) به دلیل استصحاب عدم اعتبار اذان و اقامه قبل از نزول اذان از سوی جبرئیل بر پیامبر (ص)؛

ج) به دلیل اطلاق ادله «صلاة» و «جماعة» نسبت به اینکه با اذان خوانده شوند یا بی اذان، با اقامه خوانده شوند یا بی اقامه؛

د) بر اساس روایات دلیل اول و دوم، استحباب و عدم وجوب اذان واضح است و نیز از آنجایی که اجماع مرکب در این خصوص مربوط به استحباب اذان و اقامه و یا وجوب آن دو است.

از آنجایی که متعارف در آن زمان، برگزاری نماز جماعت بوده و نماز فرادی فرد نادر است، اطلاقات ادله اثبات استحباب اذان و اقامه از نماز فرادی انصراف داشته لذا استحباب اثبات شده از این دلایل، در نماز جماعت ثابت است (نجفی، 1404 ق: 9/6) علاوه بر ادله مذکور، می توان به این نکته به عنوان دلیل هفتم نیز اشاره کرد که اقامه گفتن پیش از نماز از مسائل عام البلوی بوده است که هر مکلف در هر روز پنج بار با آن سروکار دارد، پس اگر واجب می بود قطعاً مشهور شده و شایع می گشت.

نتیجه

با مرور نظرات و ادله میتوان بیان داشت در مجموع به واسطه اجماع و اتفاق نظر فقها و روایات کثیر نسبت به فضل اذان و اقامه در اصل مشروعیت اذان و اقامه برای فرایض شکی وجود ندارد. اما در خصوص حکم تکلیفی همانطور که بررسی گردید دو نظر عمده وجود داشت. مشهور، قائل به استحباب اذان و اقامه به صورت مطلق بودند و سایرین در برخی حالات قائل به وجوب بودند. در این نگاشته تلاش گردید که اقوال مخالف مشهور به طور کامل احصاء شود. لذا در نهایت، این نظرات در ذیل چهار قول اصلی ارائه شده و به بوته نقد گذاشته شد. از این رو از مجموع روایات و ادله بررسی شده چیزی بیش از استحباب اذان و اقامه قابل استخراج نیست غیر از آنکه استحباب اذان در نماز جماعت، در نماز صبح و مغرب به صورت فرادی و استحباب اقامه در کلیه نمازها اکید است. در ضمن اگر ایراد و ابهامی در دلایل لفظی و ظاهری وارد باشد، دلایل اصالت براءت و استصحاب عدم تشریع مطرح شده از سوی مرحوم صاحب جواهر قابل اخذ است. در نتیجه قول مشهور به عنوان نظر نهایی پذیرفته می گردد.

1. مراجعه به آرشیو جشنواره: کربلایی جعفر، 1391، «حکم تکلیفی اذان و اقامه»، کد اثر: 62172.
2. مراجعه به: سوره جمعه 9/ و، «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)» ج 81 ص 157.
3. مراجعه به: العاملي، شيخ حر، (1409 ق)، «وسائل الشيعة» ج 5 ص 371.
4. مراجعه به: العاملي، شيخ حر، (1409 ق)، «وسائل الشيعة» ج 5 ص 446، باب 37.
5. مراجعه به: العاملي، شيخ حر، (1409 ق)، «وسائل الشيعة» ج 5 ص 391، باب 9.
6. مراجعه به: العاملي، شيخ حر، (1409 ق)، «وسائل الشيعة» ج 5 ص 401، باب 13.
7. مراجعه به: العاملي، شيخ حر، (1409 ق)، «وسائل الشيعة» ج 5 ص 401، باب 10.
8. مراجعه به: القواعد 264: 1 جامع المقاصد 167: 2 مجمع الفائدة 161: 2 كفاية الأحكام 85: 1 الحدائق 352: 7.

کتابنامه

1. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، (1414 ق)، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ج 1 و 11.
2. احمد بن حسين بن غضائري، (1364 ق)، رجال ابن الغضائري، مؤسسه اسماعيليان، قم.
3. اصفهاني، حسين بن محمد راغب، (1412 ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشاميه، ج 1.
4. ابرواني، باقر، (1427 ق)، دروس تمهيديه في الفقه الاستدلالي على المذهب الجعفري، قم: دارالفقه للطباعة و النشر، ج 2.
5. البحراني، يوسف بن احمد، (1405 ق)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج 1، ج 7.
6. حكيم، سيد محسن طباطبائي، (1416 ق)، مستمسك العروة الوثقى، مؤسسه دار التفسير، ج 5.
7. حلي (العلامة)، الحسن بن يوسف بن مطهر اسدي، (1414 ق)، تذكره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج 1، ج 3.
8. خلاصه الأقوال في معرفه أحوال الرجال، نجف: منشورات المطبعة الحيدريه، ج 2.
9. حلي، الحسن بن علي بن داود، (1383 ق)، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بی جا.
10. جزري، ابن اثير، مبارك بن محمد، (بيتا)، النهایه في غريب الحديث و الأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعيليان، ج 1، ج 1.
11. خویی، سيد ابو القاسم الموسوي، (1418 ق)، موسوعة الامام الخوئي، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئي (ره)، ج 1، ج 13.
12. (بيتا)، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال، ج 11- 6- 3.
13. (بيتا)، المستند في شرح العروة الوثقى، بیجا.
14. شريف مرتضی، علي بن حسين موسوي، (1387 ق)، جمل العلم و العمل، نجف: مطبعة الآداب، ج 1.
15. صدر، سيد محمدباقر، (1405 ق)، دروس في علم الاصول، دارالمنتظر، بیجا، ج 2.
16. طباطبائي، سيد محمدحسين، (1417 ق)، الميزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج 14.
17. طوسي، شيخ محمد بن الحسن، (1390 ق)، الاستبصار، تهران: دار الكتاب السلاميه، بی جا، ج 1.
18. (1427 ق)، رجال الشيخ الطوسي، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج 3، ج 1.
19. (1365 ش)، تهذيب الاحكام، تهران: دار الكتاب السلاميه، بی جا، ج 2.
20. عاملي (المحقق الثاني)، علي بن الحسين الكركي، (1414 ق)، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج 2، ج 2.
21. عاملي، شيخ حر، (1409 ق)، وسائل الشيعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، بی جا، ج 5.
22. فيومي، احمد بن محمد مقرئ، (بيتا)، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: منشورات دار الرضى، ج 1.
23. كشي، محمد بن عمر، (بيتا)، رجال الكشي، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ج 2.
24. كليني، محمد بن يعقوب، (1407 ق)، الكافي، تهران: دار الكتاب السلاميه، ج 4، ج 3.
25. مؤسسه دائرهالمعارف معارف الفقه الاسلامي، (1417 ق)، معجم الفقه الجواهر، قم: الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، ج 2، ج 4.
26. سيد محمود هاشمي، (1426 ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهلييت (ع)، قم: مؤسسه دائرهالمعارف معارف فقه اسلامي.
27. (1431 ق)، موسوعة الفقه الاسلامي طبقاً لمذهب اهل البيت (ع)، قم: مؤسسه دائرهالمعارف معارف الفقه الاسلامي، ج 8.
28. مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، (1403 ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ج 2، ج 81.
29. مشکيني، ميرزا علي، (بيتا)، مصطلحات الفقه، بیجا.
30. نجاشي، احمد بن علي، (1407 ق)، رجال النجاشي - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

31. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، 1404 (ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، ج 9.
32. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، 1414 (ق)، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج 1، ج 4.
33. نوری، میرزا حسین، 1408 (ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت، ج 1، ج 4.
34. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، 1414 (ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج 1، ج 18.
35. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، 1409 (ق)، العروه الوثقی فیما تعم به البلوی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج 2، ج 1.